



ORIGINAL RESEARCH PAPER

A Critical Examination of the Islamic Philosophical Foundations Shaping the 'Educated man' in Iran's National Education Framework

Ali Sohbato*,¹

¹ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Educated Man
philosophical foundations
criticism
Document
Purpose

1. Corresponding author
✉ Alisohbatlo@cfu.ac.ir

Background and Objectives: This study critically examines the philosophical foundations underlying the concept of the "educated person" as articulated in the educational framework of the Islamic Republic of Iran. The research aims to evaluate how these foundations—rooted in Islamic ontology, epistemology, and axiology—shape the idealized vision of human development within the national education system.. **Methods:** Employing a philosophical methodology, the study integrates interpretive analysis, critical inquiry, and deductive reasoning to interrogate the document's theoretical underpinnings. **Findings:** The analysis reveals that the philosophical foundations of education in the document are firmly situated within an Islamic religious framework, drawing extensively on Quranic teachings and religious doctrines. The idealized traits of the "educated person" are not confined to anthropological assumptions but are interwoven across ontological, epistemological, and axiological dimensions. However, the study identifies a tension between the document's aspirational goals—such as cultivating moral integrity, intellectual refinement, and social responsibility—and the practical challenges of implementation. Constraints in pedagogical resources, institutional capacities, and sociocultural realities hinder the realization of these ideals. **Conclusion:** While the document's philosophical coherence and emphasis on Islamic values represent notable strengths, the study underscores the need for revisions to address its overly idealistic dimensions. By reconciling theoretical aspirations with pragmatic educational strategies, the framework could better align with the operational realities of Iran's education system. This critique offers constructive insights for policymakers to refine the document's philosophical foundations, bolster its strengths, and mitigate gaps during future revisions, thereby enhancing its efficacy in guiding educational practice.

ISSN (Online): 2980-7948

DOI: 10.48310/JCDR.2025.18594.1122

Received: 2025-02-01 Reviewed: 2025-3-12 Accepted: 2025-3-13 pp: 124-133

Citation (APA): Sohbato, A. (2025). A Critical Examination of the Islamic Philosophical Foundations Shaping the 'Educated man' in Iran's National Education Framework. *Journal of research in curriculum studies*, 4(2), 124-133.

 <https://doi.org/10.48310/JCDR.2025.18594.1122>



نقد مبانی فلسفی انسان فرهیخته ترسیم شده در سند آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

مقاله پژوهشی

علی صحبت لو

۱. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، کد پستی ۱۴۶۶۵۸۸۹، تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: هدف پژوهش حاضر، نقد مبانی فلسفی انسان فرهیخته در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است. **روش‌ها:** برای دستیابی به این هدف، از روش فلسفی (تحلیل تفسیری، انتقادی و استنتاجی) بهره گرفته شد. **یافته‌ها:** نتایج بررسی نشان داد که مبانی فلسفی تربیت در سند در بستر دینی؛ یعنی اسلام شکل گرفته است، در نتیجه، بنیان‌های نظری در تربیت انسان فرهیخته آموزه‌های دینی و قرآنی است. بررسی مبانی فلسفی تربیت نشان داد که تصویر انسان فرهیخته را نمی‌توان تنها ذیل میحث مبانی انسان‌شناسی مشاهده کرد. این تصویر در سند در لایه لای میحث حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی قابل بازیابی است. بسیاری از اهداف و ویژگی‌های اشاره شده در سند آموزش و پرورش در تربیت انسان فرهیخته، جنبه آرمانی داشته و تحقق آن‌ها در نظام آموزشی با توجه به امکانات آموزشی و پرورشی دشوار است. **نتیجه‌گیری:** با توجه به این که میحث اساسی مطرح‌شده در هریک از مبانی فلسفی انسان فرهیخته در چگونگی و نوع تربیت انسان فرهیخته دخیل هستند و بین مبانی فلسفی انسان فرهیخته و مؤلفه‌های اساسی آن رابطه وجود دارد؛ لذا انتظار براین است که در مرحله بازنگری سند نقدهای مطرح‌شده مورد توجه قرار گیرد. این نقد می‌تواند یک سری دستاوردهایی را برای نظام آموزشی کشور داشته باشد؛ می‌تواند به مبانی فلسفی سند آموزش و پرورش قوام و استحکام بخشد و نقاط قوت آن را نشان دهد و اگر کاستی‌ها و خلأهایی در آن وجود داشته باشد در جهت برطرف کردن آن‌ها تلاش شود.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.



DOI:
10.48310/JCDR.2025.18594.1122

واژه‌های کلیدی:

تربیت

مبانی فلسفی

انسان فرهیخته

سند تحول آموزش و پرورش

۱. نویسنده مسئول: علی صحبت لو

Alisohbatlo.@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳-۱۱-۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳-۱۲-۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳-۱۲-۲۳ شماره صفحات: ۱۳۳-۱۲۴

COPYRIGHTS



©2025 Ali Sohbatlo. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

۱- مقدمه

پرسش برای هر نظام آموزشی ارائه تصویری از «انسان فرهیخته»^۱ دارای اهمیت و حساسیت بالایی است. شالوده و بستری که می‌توان اهداف تعلیم و تربیت را بر اساس آن پی‌ریزی کرد، مفهوم «انسان فرهیخته»^۲ است. انسان فرهیخته، آرمانی است که هر جامعه‌ای سودای پرورش او را در سر می‌پروراند (Nami, 2005). به همین دلیل بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب و ارائه الگویی برای آن، یکی از اساسی‌ترین گام‌های طراحی برنامه تربیتی کارآمد است؛ چراکه غایت اصلی آموزش و پرورش تربیت انسان مطلوب است (Rahnama, 2005, P: 109).

نظام آموزشی در هر جامعه‌ای نیازمند آن است تا انسان فرهیخته خود را بشناسد. از هر نظام آموزشی کارآمد انتظار می‌رود تا با پیروی از مبنای فلسفی منسجم و مستحکم از یک سو، و با مراجعه و تأمل در اندیشه مربیان بزرگ درباره انسان کامل، تصویری که از انسان فرهیخته ارائه می‌دهد، از یکپارچگی و انسجام لازم برخوردار باشد. عدم شناخت فلسفه تربیتی حاکم، به منزله نداشتن تصویر از انسانی است که مدعی پرورش او هستیم. اساساً نداشتن تصویری از انسان تربیت شده باعث از هم پاشیدگی و پریشانی کل نظام آموزشی از ابتدایی تا دانشگاه می‌شود (Zibakalam Mofard, 2008, P: 161). از نگاه برخی فیلسوفان آموزش و پرورش، روح حاکم بر نظام فعلی آموزش و پرورش در ایران متأثر از چند مشرب فلسفی است که با معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی فلسفه اسلامی اختلاف دارند (Zibakalam Mofard, 2005, P: 84). انسان تربیت شده باید نشانه‌های بارزی از وابستگی به تمدن اسلامی- ایرانی را نیز به همراه داشته باشد. با وجود این، مشکل اساسی آموزش و پرورش ایران فقدان فلسفه و نظریه تربیتی جامعی است که از فرهنگ و جهان‌بینی آن جامعه نشأت می‌گیرد (A group of authors, 2008, P: 23).

بر اساس مرور شواهد، در سند فعلی آموزش و پرورش ایران، مسئله میزان بسنده و شایسته توجه به «انسان فرهیخته» مورد تردید است. در سند تهیه شده سال ۱۳۹۰، تحت عنوان «انسان فرهیخته» نشانه‌ای مشاهده نمی‌شود اما به مضمون نزدیک به آن یعنی «انسان مطلوب» و «انسان کامل» اشاره شده است.

بررسی سند آموزش و پرورش در باب تربیت انسان فرهیخته در شاخص‌ها و ویژگی‌هایی نظیر: نگرش غیر ابزاری به دانش، حرفه‌گرایی و فراگیری شغل، ابعاد تربیت، نحوه حیطه‌بندی ساحت‌های تربیتی، جنسیت، سهم هریک از ارکان تأثیرگذار در تربیت، مراحل تربیت، دانش و معلومات، عقلانیت، تفکر انتقادی، جامعیت و یکپارچگی با انسان مطلوب قصد شده در سند تحول فاصله داشته و با چالش‌های اساسی روبه‌رو است و در این زمینه نیاز به بازنگری دارد (Sohbatlo et al, 2016).

۲- پیشینه پژوهش

مرور پیشینه نشان داد که اسناد پشتیبان نظام تربیت رسمی کشور تاکنون مورد مقایسه و نقدهای مختلفی قرار گرفته که هریک از منظری ویژه بوده‌اند. مزروقی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «نقد متدیک و تئوریک اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، سجادیه (۱۳۹۲) با عنوان «تحلیل تطبیقی اسناد نگاشته شده در فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» و در پژوهش دیگر، توسط حکیم زاده (۱۳۸۷) «مبانی فلسفی برنامه‌های آموزش جهانی و مقایسه آن با مبانی فلسفی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین دژگاهی و ضمیران (۱۳۸۵) هدف‌های آموزشی این نظام را از منظر میشل فوکو را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. آهنگیان (۱۳۸۳) نیز به مقایسه فلسفه آموزش و پرورش اسلامی با فلسفه آموزش و پرورش مدرن پرداخته است. همچنین در مطالعه دیگر، آهنگیان و طاهرپور (۱۳۹۰) به بررسی نشانه‌های مدرنیته در نظام آموزش و پرورش ایران پرداخته‌اند. در پژوهش دیگر، ضرغامی، سجادیه و قائدی (۱۳۹۰) مبانی فلسفی برنامه فلسفه برای کودکان با مبانی فلسفی تربیت در ایران را مورد مقایسه قرار داده‌اند.

1 educated man

۲ از قرن نوزدهم به بعد این اصطلاح توسط فلاسفه و اندیشمندان تعلیم و تربیت به کار گرفته شده است.

نقدهای صورت گرفته در مورد اسناد تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران عام بوده است. در مطالعات انجام شده محورهای مورد مطالعه موضوعی بوده است، در حالی که در این پژوهش محورهای مقایسه مبتنی بر مبانی فلسفی، ویژگی‌ها و مختصات انسان فرهیخته است. این پژوهش هم از لحاظ سطح و وسعت و هم از نظر معیارها و ویژگی‌های مورد مقایسه متمایز از تلاش‌های پیشین است.

با توجه به وجود نکته نظرات تخصصی معارض در خصوص مقایسه اسناد آموزش و پرورش به طور مثال Ahanchian&Taherpour (2011); Hakimzadeh (2008) Dejgahi&Zamiran (2006); Sohbatloo, (2016); Sajjadih (2014); Zarghami et al. (2011); Transformation Document (2010); Document (1988); Document (1984) ابهام در خصوص شفافیت بحث انسان فرهیخته، مفهوم، جایگاه، ابعاد و ویژگی‌های آن همچنان وجود دارد. در حقیقت، نقد انسان فرهیخته درسند آموزش و پرورش ایران می‌تواند به ترسیم چشم‌انداز انسان فرهیخته، ویژگی‌ها و نشانگرهای او در نظام آموزشی کشور کمک کند و به آن جهت دهد. این نقد می‌تواند به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان نظام تربیتی کشور در بازنگری و اصلاح برنامه‌های آموزشی یاری برساند.

در ابتدای این نگارش، توصیفی کوتاه از مبانی فلسفی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است، سپس مبانی فلسفی انسان فرهیخته مورد نظر سند مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در پایان نیز به بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۳- روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، نقد مبانی فلسفی انسان فرهیخته در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است. برای دستیابی به این هدف، از روش فلسفی (تحلیل تفسیری، انتقادی و استنتاجی) بهره گرفته شد. در پژوهش حاضر به منظور شناسایی تصویر انسان فرهیخته در نظام آموزش و پرورش کشور، سند تحول آموزش و پرورش به منزله مهم‌ترین سند معرف این نظام مورد توجه قرار گرفته است.

۴- یافته‌ها

نقد مبانی فلسفی انسان فرهیخته سند آموزش و پرورش (سند ۱۳۹۰)

در اینجا به نقد هریک از مبانی فلسفی انسان فرهیخته با توجه به مباحث اساسی مطرح شده در هریک از مبانی پرداخته می‌شود:

۴-۱. نقد مبانی هستی‌شناسی

مباحث اساسی مبانی هستی‌شناسی انسان فرهیخته سند تحول آموزش و پرورش شامل موارد زیر است: واقعیت جهان هستی و منحصر نبودن هستی به طبیعت، خداوند مبدأ، مالک، مدبر و رب همه جهان، غایتمندی آفرینش هستی و غایت بودن خداوند، تسلط نظام علیت بر هستی، صدور کثیر از واحد، دگرگونی و حرکت مداوم جهان طبیعت و حاکمیت اراده خداوندی بر نظام احسن هستی و محدودیت و فناپذیری دنیا (Transformation Document, 2010, pp:49-56). این مباحث در تعلیم و تربیت و انسان فرهیخته نظام آموزشی دخیل هستند. این‌که چگونه این گزاره‌های خبری در عرصه تعلیم و تربیت؛ در تعریف تربیت و بیان غایت، اهداف و اصول قابلیت تحقق یافتن است، با چالش اساسی مواجه است.

در سند مبحث دین‌شناختی به صورت مجزا از هستی‌شناسی و تحت عنوان مبانی دین‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. در سند در ذیل مباحث اساسی هستی‌شناسی نمی‌توان به ترسیم سیمای انسان فرهیخته پرداخت، این نوع سبک تنظیم مبانی جای تأمل دارد. کل مجموعه مبانی بر تربیت تأثیر می‌گذارد. بدون توجه به مبانی ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی و تنها با توجه به مبانی هستی‌شناسی نمی‌توان به ترسیم سیمای انسان فرهیخته پرداخت.

انسجام منطقی بین مباحث مطرح شده در هستی‌شناسی سند، دیده نمی‌شود. به عنوان مثال در بند ۱۰-۱-۱- بیان شده که «عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی دارند و همواره درحالی که شدن و دگرگونی و حرکت مداوم‌اند» (p:56). در مبحث صیوروت و دگرگونی و حرکت در بند ۱۳-۲-۱ مبنای انسان‌شناسی مجدداً تحت عنوان «وجود انسان همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است» بیان شده است (p:68). فلسفه هستی‌شناسی سند متأثر از فلسفه صدرایی است. «همه موجودات عالم اجسام بی هیچ استثنا مشمول حرکت جوهری‌اند».

اشاره به محدودیت، پایان‌پذیری و فنا شدنی جهان طبیعت و همه واقعیت‌های هستی از نقاط قوتی است که در سند به آن پرداخته شده است.

۴-۲. نقد مبانی معرفت‌شناسی

در سند، مباحث اساسی زیر به عنوان مبانی معرفت‌شناسی در تربیت انسان فرهیخته مطرح شده است: انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود و دیگران در هستی توانایی دارد، علم انسان دارای اقسام حقیقی و اعتباری است و مراتب و سطوح مختلف دارد، معیار اعتبار علم، مطابقت با مراتب گوناگون واقعیت است، علم در عین ثبات دارای پویایی است، آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم و جامع واقعیات و حقایق جهان از همه آن‌ها بهره گرفت، انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل از توانایی تعقل در شناخت حقیقت هستی برخوردار است، شناخت آدمی با موانع و محدودیت‌هایی همراه است.

در بند ۱-۳-۱ سند، اشاره شده که «انسان نسبت به شناخت هستی و درک موقعیت خود در هستی توانایی دارد (p:78)، اما مشخص نشده است که انسان چرا باید به این شناخت دست یابد و آیا شناخت چنین امری ضرورتی دارد یا نه؟ علوم عقلی و شهودی در تربیت چنین انسانی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این که چگونه و با چه ابزارهایی چنین انسانی تربیت پیدا می‌کند، راهکار لازم ارائه نشده است. و این که کدام یک از دانش‌ها معتبرند و نیز امکان انتقال دانش و نحوه آن مشخص نیست. همچنین امکان دست‌یابی چنین انسانی به معرفت یقینی یا انتقال معرفت مطرح شده با مشکل اساسی مواجه خواهد شد.

در بند ۲-۳-۱ سند، به دو نوع علم حضوری (آگاهی از چیزها بدون واسطه) و حصولی (دریافت واقعیت با واسطه) اشاره شده است و بیان شده که علم حضوری نسبت به علم حصولی برتری دارد (p:78). با توجه به توصیف ویژگی‌ها عام انسان در سند دستیابی انسان فرهیخته به علم حضوری (شهود و مکاتبه) برای همگان امکان‌پذیر نیست. بر اساس بند ۶-۳-۱ بنیان‌های معرفت‌شناسی سند آموزش و پرورش هم بر اساس رویکرد فلسفی (عقل، شهود و مکاشفه) و هم بر اساس آیات قرآنی و برخی روایات اسلامی (وحی و الهام) پایه‌گذاری شده است.

در سند بند ۶-۳-۱ منابع و ابزارهای کسب معرفت، بیشتر معارف دینی را شامل می‌شود (p:82). اگر معارفی غیر از معارف دینی باشد، تربیت انسان فرهیخته در بعد معرفت‌شناسی با چالش جدی مواجه خواهد شد.

در بند ۷-۳-۱ سند، اشاره شده که انسان هم در مقام نظر و هم در عرصه عمل، از توانایی تعقل (عقل ورزی) جهت شناخت حقیقت هستی و کسب سعادت جاویدان برخوردار است (p:85). بنابراین، با آنچه فیلسوفان اسلامی نظیر ابن‌سینا و فارابی درباره عقل نظری و عقل عملی گفته‌اند کاملاً منطبق‌اند و هیچ تعارضی میان آن وجود ندارد.

در بند ۸-۳-۱ سند، بر موانع و محدودیت‌هایی شناخت آدمی اشاره شده است (p:86). هر انسانی به قدر توان و استعداد و میزان تلاش و خلاقیت فکری خود از معارف بهره می‌گیرد. دستیابی به مراتبی از حیات طیبه بر اساس استعداد و میزان کوشش افراد خواهد بود. این موضوع در سند مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

۴-۳. نقد مبانی ارزش‌شناسی

عمده‌ترین مباحث اساسی مبانی ارزش‌شناسی انسان فرهیخته سند شامل مؤلفه‌های زیر است: «قرآن، مبانی دین اسلام و آموزه‌های ائمه اطهار(ع)، قانون اساسی، سند چشم‌انداز، رهنمودها و دیدگاه‌های حضرت امام خمینی(ره) و مقام

معظم رهبری در تربیت چنین انسانی به عنوان منبع تعیین ارزش در نظر گرفته شده است. ارزش‌ها ثابت، مطلق و غیر وابسته به افراد هستند؛ دارای سلسله مراتب هستند؛ آنچه اهمیت بیشتری دارد، ارزش‌های معنوی است. مقولات ارزشی نظیر: تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، اعتدال، عدالت، رأفت، احسان، گذشت و بخشش» در تربیت انسان فرهیخته مورد توجه بوده است.

در بند ۲-۴-۱ سند، اعتبار و معیار ارزش‌ها هم از طریق «عقل و فطرت انسانی» و هم با مراجعه به «نظام معیار دینی» معلوم می‌شود (p:89). چنانچه ارزشی با نظام معیار انطباق نداشته باشد، مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت.

در بند ۴-۴-۱ اشاره شده که ارزشمند دانستن هر عمل، هم تابع حسن فعلی و هم وابسته به حسن فاعلی است (p:92). هر عمل اختیاری فرد هم باید فی حد نفسه عمل صالح باشد و هم بر مبادی مناسبی (نظیر آگاهی، ایمان و انگیزه صحیح) استوار باشد. این مورد، یکی از نکات قوت و مثبت سند آموزش و پرورش است.

در بند ۶-۴-۱ سند، اشاره شده که حیات طیبه همه ابعاد فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و در ارتباط و تعامل با همدیگر و با محوریت شأن اعتقادی، عبادی و اخلاقی محقق می‌سازند.

در بند ۸-۴-۱ سند، یکی از ویژگی‌های مهم حیات طیبه، توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن ذکر شده است (p:98). در سند توجه به اسوه‌های حسنه و روش الگوپذیری در تربیت انسان فرهیخته مدنظر است. در بند ۹-۴-۱ تأسی به اولیای الهی و تولی و اطاعت از آن‌ها و دشمنی با دشمنان خدا و اولیای خداوند، تنها راه تحقق کامل حیات طیبه در مسیر قرب الهی ذکر شده است (p:99). در سند بیشتر تصویر انسان کامل و ویژگی‌های او بیان شده است و حالت انتزاعی داشته و دسترسی به آن‌ها برای همگان امکان‌پذیر نیست.

در بند ۱۴-۱-۱ سند فرضیه علم‌آموزی واجب همگانی ذکر شده است و همین‌طور احترام به عالم به عنوان یک اصل مسلم و تخلف‌ناپذیر محسوب شده است (p:103). در سند دانشی حقیقتاً علم شمرده می‌شود که بتواند ارزش‌های توحیدی را در اندیشه، خلق و خوی و رفتار انسان متجلی سازد. اگر علم و دانش غیر از این باشد به عنوان یک تخلف محسوب می‌شود. در سند علم و علم‌آموزی بیشتر در راستای تربیت در ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است. با توجه به مقولات ارزشی مطرح شده در سند، دستیابی به این مسائل در کوتاه‌مدت و در این دنیا به سختی امکان‌پذیر است.

همچنین با توجه به مباحث مطرح شده در سند درباره ارزش‌ها، نمی‌توان انتظار داشت انسان فرهیخته تنها با این مقولات به حیات طیبه دست پیدا کند؛ بلکه باید مسائل مطرح شده در سایر قلمرو نیز مورد توجه قرار گیرد. نظام حکمت متعالیه به عنوان نظام برآمده از متن فرهنگ اسلامی و برخوردار از ویژگی‌های متمایز از سایر نظام‌های فلسفه اسلامی به عنوان مبنای نظری سند در صدد انتقال ارزش‌ها در نظر گرفته شده است. در آنجا اشاره شده است که برای تبیین فلسفه تعلیم و تربیت رسمی در اسلام با تکیه بر مبانی فلسفه اسلامی (رویکرد صدرايي) صورت گرفته است (Transformation Document, 2010, p:426).

نقد دیگری که بر مبانی ارزش‌شناسی سند وارد است در تربیت انسان فرهیخته سند جمهوری اسلامی ایران در حوزه ارزش‌ها نوعی اجبار و تلقین به چشم می‌خورد و این امر با اصل آزادی در تربیت ناسازگار است. در سند آنچه که اهمیت بیشتری دارد، ارزش‌های معنوی است. مقولات ارزشی نظیر: تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، اعتدال، عدالت، رأفت، احسان، گذشت و بخشش بیشتر مورد توجه قرار گرفته است و حوزه دیگر ارزش‌ها توجه به هنر و زیباشناسی در تربیت انسان فرهیخته در حاشیه قرار گرفته است.

۴-۴. نقد مبانی انسان‌شناسی

مبانی انسان‌شناسی انسان فرهیخته سند نیز شامل مؤلفه‌های زیر است: انسان مخلوق خداوند، و موجودی مرکب از جسم و روح است. حقیقت انسان، روح او است. انسان مجموعه‌ای از استعدادها و توانایی‌ها است و به عنوان اشرف مخلوقات

هستی از قدرت تفکر و تعقل برخوردار است. او موجود برگزیده خداوند است؛ موجودی اجتماعی است، دارای اراده و اختیار بوده و در مقابل کارهایش مسئول است.

در سند آموزش و پرورش به ویژگی‌های عام انسان اشاره شده نه به آنچه باید باشد.

در سند با تأسی از فلسفه صدرایی به تقدم وجودی جسم بر نفس ناطقه اذعان شده است. در سند نوعی وحدت‌گرایی در این مورد وجود دارد.

در بند ۷-۴-۱ سند حیات طیبه مفهومی ذومراتب است که دستیابی به مراتبی از آن با عنایت به علاقه ذاتی همه امکان‌پذیر است و مشتمل بر سلسله‌مراتبی بوده همه افراد جامعه به اقتضای فطرت پاک و حکم عقل سلیم و ندای وجدان از آن برخوردارند (p:98).

در بند ۱۰-۲-۱ اشاره شده که انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است که این آزادی و اختیار را خدا به او داده است (p:64). نقش اراده و اختیار در تربیت انسان فرهیخته به خوبی تبیین نشده است. در سند، نوعی جبرگرایی در تربیت چنین انسانی مشاهده می‌شود. و برخی از شبهات، زمینه مجبور انگاری انسان فرهیخته را پدید می‌آورد. همچنین در سند بر نقش اراده در زندگی انسان به عنوان موجودی مختار مورد پذیرش قرار گرفته است (p:67)، اما این که تقویت اراده در ارتباط با خدا و در پیوند با او چگونه محقق خواهد شد، تبیین نشده است.

در بند ۱۵-۲-۱ سند از یک طرف به استعدادهای فراوان انسان اشاره شده است، از طرف دیگر به انواع محدودیت‌های او. این که انسان چگونه می‌تواند از این استعدادها برای مواجه با تهدیدهای بیرونی و درونی استفاده کند، با چالش اساسی روبه‌رو است.

در بند ۱۹-۲-۱ سند موضوع مسئولیت انسان در ارتباط با خداوند، خویشتن، خلق و خلقت به طور ویژه‌ای مورد توجه قرار گرفته است (p:74).

در بند ۲۱-۲-۱ سند اشاره شده است که خداوند که مربی حقیقی آدمیان است، همواره مصادیقی از انسان کامل را در مسیر هدایت آنان قرار داده تا روند تکوین و تعالی هویتشان به وجه مطلوب صورت پذیرد (p:76). این گونه استنباط می‌شود که دستیابی به مراتبی از حیات طیبه بدون استعانت از مصادیق حقیقی انسان کامل (پیامبران الهی و امامان معصوم (ع) امکان‌پذیر نیست. سند به دنبال تربیت انسان کامل است و آن یک آرمان است و برای همگان امکان‌پذیر نیست.

در سند، شناخت موجودیت دنیوی انسان و ترسیم چهره این جهانی از او، به صورت جدی مورد توجه واقع نشده است. همچنین در سند آموزش و پرورش با توجه به شرایط جامعه کنونی و پدیده‌های نوظهور دینی و شبه عرفانی توجه چندانی به این موضوع نشده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

طبق معیارهای نقد می‌توان گفت که مبانی فلسفی سند از انسجام لازم برخوردار نیست و هر یک از مبانی، اهداف و ساحت‌ها، اصول و روش‌ها از انسجام منطقی پیروی نمی‌کنند. از نظر معیارهای همچون: تناسب با عرصه عمل، اسلامی بودن، ایرانی بودن، جامعیت نیز مبانی نظری سند آموزش و پرورش توفیق کمتری داشته است. بررسی مبانی فلسفی تربیت سند نشان داد که تصویر انسان فرهیخته را نمی‌توان تنها ذیل مبحث مبانی انسان‌شناسی مشاهده کرد. این تصویر به طور کامل در سبب روشن نیست در لابه‌لای سایر مباحث در حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی قابل بازبینی است. بسیاری از اهداف و ویژگی‌های اشاره شده در سند آموزش و پرورش در تربیت انسان فرهیخته، جنبه آرمانی داشته و تحقق آن‌ها در نظام آموزشی با توجه به امکانات آموزشی و پرورشی دشوار است.

انسان فرهیخته همواره خود را در تعادل کامل در تمامی جنبه‌های وجودی نگه می‌دارد یک انسان فرهیخته دارای ابعاد مختلفی از جمله اخلاقی، اجتماعی، معنوی، عاطفی و عقلانی است. بنابراین، انسان فرهیخته انسانی است که در

همه ابعاد تربیتی رشد یافته است. انسانی که در زمان حال با توجه به شرایط موجود زمانی و با توجه به شرایط موجود خودش بتواند از همه توانمندی‌ها و قابلیت‌های برای حل مسائل و مشکلات خود بهره بگیرد.

چالش‌های بشری در سده بیست و یکم، همچنان که در هر حوزه‌ای از فعالیت‌های بشری، به گونه‌ای آشکار شده است، در حوزه تربیت انسان فرهیخته نیز بروز کرده است. سخن گفتن از «انسان فرهیخته» در قرن بیست و یکم، مستلزم آن است که نظام آموزشی و به تبع آن اهداف تربیت و غایت نظام آموزشی متناسب با شرایط قرن حاضر، تغییر و تحول پیدا کند.

توجه به رشد عقلانی فراگیران و بی‌توجهی نسبت به ابعاد دیگر رشد، از چالش‌های دیگر انسان فرهیخته در سند است. انسان فرهیخته در سند بیشتر از لحاظ عقلانی رشد یافته و جنبه‌های دیگر تفکر زیباشناختی و هنری، تفکر شهودی او به دست فراموشی سپرده شده است.

چالش دیگر، نگرش سودگرایانه به انسان فرهیخته است. نگاه والدین و متصدیان به آموزش نگرش ابزاری است. انتظار آن‌ها از برون‌داد نظام آموزشی کسب منزلت اجتماعی، قبولی در کنکور و دریافت مدرک تحصیلی هست. در تربیت انسان فرهیخته سند به انتقال ارزش‌های متعالی که مورد تأکید فلاسفه اسلامی نظیر ابن‌سینا، فارابی و غزالی و... است، توجه جدی نشده است. در نتیجه دیدگاه جامع و یا یکپارچه که انسان فرهیخته را کسی می‌داند که هم از نظر شناختی و هم از نظر عاطفی و اخلاقی رشد یافته است، با چالش مواجه می‌سازد.

با توجه به این‌که مباحث اساسی مطرح‌شده در هریک از مبانی فلسفی انسان فرهیخته در چگونگی و نوع تربیت انسان فرهیخته دخیل هستند و بین مبانی فلسفی انسان فرهیخته و مؤلفه‌های اساسی آن رابطه وجود دارد؛ لذا انتظار بر این است که در مرحله بازنگری سند این نقدها مورد توجه قرار گیرد. این نقد می‌تواند یک سری دستاوردهایی را برای نظام آموزشی کشور داشته باشد؛ می‌تواند به مبانی فلسفی سند آموزش و پرورش قوام و استحکام بخشد و نقاط قوت آن را نشان دهد و اگر کاستی‌ها و خلأهایی در آن وجود داشته باشد در جهت برطرف کردن آن‌ها تلاش شود.

مشارکت نویسندگان

تمامی فعالیت‌های مربوط به مقاله توسط نویسنده مسئول انجام شده است.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

References

- Ahanchian, Mohammad Reza; Taherpour, Mohammad Sharif. (2011). Signs of Modernity in the Iranian Education System. *Journal of Cultural Engineering*, No. 53 and 54, pp. 26-8. . [In Persian]
- A group of authors. (2008). *Educational Sciences: Its Nature and Scope*. Tehran: Samat Publications. . [In Persian]
- Hakimzadeh, Rezvan. (2008). A Study of the Philosophical Foundations of the Global Education Program and Its Comparison with the Philosophical Foundations of the Education System of the Islamic Republic of Iran, *Modern Educational Thoughts*, Volume 4(79), 104-3 . [In Persian]
- Secretariat of the Supreme Council of Education. (1988). *Generalities of the Plan for Fundamental Change of the Education System*. (Document 1988). Tehran: Ministry of Education. [In Persian]
- Secretariat of the Supreme Council of Education. (2004). *Generalities of the Plan for the Compilation of the National Education Document* (Document 1984). Tehran: Ministry of Education. . [In Persian]
- Secretariat of the Supreme Council of Education. (2010). *Strategic Transformation Document; The Formal and Public Education System of the Islamic Republic of Iran in the Horizon of Vision* (Holy Mashhad Document) . [In Persian]
- Secretariat of the Supreme Council of Education. (2011). *General theoretical foundations of fundamental change in the formal and public education system of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ministry of Education. [In Persian]
- Dejgahi, Sughri; Zamiran, Mohammad. (2006). A study of educational goals from the perspective of Michel Foucault. *New Educational Thoughts*, 2(2)187-169. [In Persian]
- Rahnama, Akbar. (2005). The characteristics of the ideal human being from the perspective of Islam. *Islamic Education Quarterly*, 1, 109-124. [In Persian]
- Zibakalam Mofard, Fatemeh. (2005). The philosophical school of educational liberalism and Islam. *Tafresh Educational and Research Complex Publications*. [In Persian]
- Zibakalam Mofard, Fatemeh. (2008). The philosophy of education and the importance of culture from the perspective of Matthew Arnold. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, University of Tehran. 5(592), 98-84. [In Persian]
- Zibakalam, Fatima and Heydari, Samira. (2008). A Study of Avicenna's View on Education (Fundamentals, Principles, Goals, Content and Method). *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 38 (3), 89-113. [In Persian]
- Sajjadih, Narges. (2014). Comparative Analysis of Official Documents Written in the Philosophy of Education of the Islamic Republic of Iran, *Journal of the Fundamentals of Education*, 4(1), 29-48. [In Persian]
- Sadeqzadeh Ghamsari, Alireza et al. (2010). *Report on the Integration of Findings of Theoretical Studies of the National Education Document (Theoretical Basis of Strategic Developments in the Country's Educational System); 7th Edition*. Tehran: Ministry of Education. [In Persian]
- Sohbatloo, Ali (2016). *Critique of the Philosophical Foundations of Iranian Education on the Educated Man Based on the Viewpoint of Avicenna*, PhD Thesis, Faculty of Educational Sciences and Ferdowsi Psychology, Ferdowsi University. [In Persian]

- Sohbatloo, Ali, Ahanchian Mohammadreza, Shabani Varki Bakhtiar, Sadeqzadeh Ghamsari Alireza (2018). The Educated Man of Sinai. Quarterly Journal of Education and Training. 34 (4): 81-108. [In Persian]
- Zarghami, Saeed; Sajjadih, Narges; Ghaedi, Yahya. (2011). Theoretical Model of Philosophy Program for Children in the Islamic Republic of Iran. Tehran: Educational Research Organization. [In Persian]
- Mazroughi, Rahmatullah.(2015) Methodological and theoretical critique of the documents of the fundamental transformation of education in the Islamic Republic of Iran. Publisher: Avaye Noor. [In Persian]
- Nami, Shamsi. (2005). A critical review of Richard Steele Peters's view on the philosophy, concept and purpose of education and the educated man and an analysis of the general goals of Islamic education. PhD thesis, University of Tehran, Faculty of Educational Sciences and Psychology. [In Persian]